

برو و بر کیندای ایران لیس	ز باد فرغ آن سازند دست	ازین سخن او را بخوانند شاه	که هرگز نیشستی بی گناه	مکن بر کز آن امر ایسان	اگر است خواهی نه بدای میان
سک سوزا هم ز کار جهان	یکی گوشه نیش کم از جهان	شمار اسببام ایران من	و که هیچ سستی نینداید	نشایم بر گاه آن شاه نو	شمار ایوم اندر نیش و
ممالک ز دنیا نشاند در	بگفتار خون شوح سید	که او دست یازد خون	که هرگز مباد ازین تا جور	که کند بفرین بر آرام شاه	بگفتار گسنتم بگسبناه
بلخ آخج مد خوار برد است	و رام خیار رینه بگداشته	شدن نامه رختشان آنکه	نهادند برین داغ بر چشم	رکلتش نکو سار در کاسند	کلاه ارشتمناه برداستند



کدشب آن سخن کا نندار شمار	اگر صد بود سال اگر کیند	نیش از رخ فرزند ز جانی نیش	که کی کج بایم از و گاه رخ	نمانی ز کردار او جز کیند	چین است کردار خراج بلند
از ایران ناگامی نیش شود	که در شب ببرد با کسری	بر افکند در می سیدک است	وز این سخن ز کشته نیش	بگوند سخن نیش نشود	کسی کو خرد در نیشی سود
ریشی و در نیشی کیند	چین که کار نوز راه خرد	جوان شد بچو بر کل نیشلند	از آسود بغداد کیند آخج	که رفته شب تن از ماه	فرستاده آمد بر شاه نو
از ایران کردم سرای	ولکن خون باخت	حور و خواب در افشام کرد	که از نیش کف می سر آمد	شود ز دنیا کاش سوسند	نیش کیند کردار خراج بلند
همی رف با ماور خنل خیل	سببها بدار بر دغ وارد	بگردد از افشامیند ز راه	هم اندر زمان داغ دل امبا	سخن هر کج نیش نیشند	هم او را کون می نیشند
جها جواز از افشام کام	همه شهر از ناگامی اراد	کی آمد خنل نیش	جوامد بعد از داغ و کفی	همی باخت چون داغ نیش	از ارمینده بچندین سبب
برفند هر کس کوزش لهر	چو سوس و نیش بر نیش	همان طوف ز نیش زمانه نیش	نهادند بر نیش کیند نیش	کسی را که از نیش نیش	نیش شد بر نیش کیند
مکان و زمان و نیش آفرید	راز از نیش کوز آفرید			بران باج نیش کوز نیش	کر اما کار نیش خوانند
کم و نیش کیند بر آورده	سبب و زمان و نیش کیند			هم آغاز از نیش و نیش	هم آرام از نیش کیند

ستایش سلطان محمود

شاسنده اشکار و جهان	جز او را بخوان کرد کار جهان	سزایهای نیش کیند	هم آغاز از نیش و نیش	سزایهای نیش کیند	ز خاشاک با نیش نیش
که ناخشنود در حشام کیند ماه	ستایم نیش شمشاه را	جهان او نیش نیش کیند	جهان او نیش نیش کیند	جهان او نیش نیش کیند	کوز بر نیش نیش کیند
جوانی نیش و نیش نیش	خردمند و دانا و نیش	خداوند آسانی و کام و نیش	خداوند آسانی و کام و نیش	خداوند آسانی و کام و نیش	خداوند آسانی و کام و نیش
سبب از نیش نیش نیش	چو خشم آورد کوز نیش	جو نیش نیش نیش کیند	جو نیش نیش نیش کیند	جو نیش نیش نیش کیند	جو نیش نیش نیش کیند
بزرگی و نیش نیش	سزای نیش نیش	سزای نیش نیش	سزای نیش نیش	سزای نیش نیش	سزای نیش نیش
ممالک کیند نیش نیش	نهادند بر نیش نیش	نهادند بر نیش نیش	نهادند بر نیش نیش	نهادند بر نیش نیش	نهادند بر نیش نیش